

## سیره پیامبر اکرم(ص) در زمینه حاکمیت سیاسی

خبرگزاری فارس: با مطالعه‌ای اجمالی در سیره زندگانی پیامبر اکرم(ص) جای تردید باقی نمی‌ماند که آن حضرت، پس از هجرت به مدینه، همچون يك رهبر و حاکم در میان مردم عمل می‌کرد و آنان نیز تبعیت از او را بر خویش واجب می‌دانستند و متخلفان نیز مجازات می‌شدند، ایشان کارهایی انجام می‌داد که وظیفه يك حاکم و حکومت است.

### مقدمه

با مطالعه‌ای اجمالی در سیره زندگانی پیامبر اکرم(ص) جای تردید باقی نمی‌ماند که آن حضرت، پس از هجرت به مدینه، همچون يك رهبر و حاکم در میان مردم عمل می‌کرد و آنان نیز تبعیت از او را بر خویش واجب می‌دانستند و متخلفان نیز مجازات می‌شدند، ایشان کارهایی انجام می‌داد که وظیفه يك حاکم و حکومت است؛ با دشمنان جهاد می‌کرد، غنایم جنگی را در جای خود مصرف می‌کرد، زکات را پس از جمع‌آوری، به مستحقان می‌رساند و... حاکمیت آن حضرت، با نظام قبیله‌ای مرسوم در شبه جزیره عربستان تفاوت اساسی داشت؛ زیرا هر منطقه‌ای که به تصرف مسلمانان در می‌آمد، تابع آنان محسوب می‌شد و همه امور بر گرد وجود مهاجران و انصار، که در مدینه بودند و پیامبر اکرم(ص) که رسالت و نبوت و رهبری آنان را بر عهده داشت، می‌چرخید.

اما در این‌جا این پرسش مطرح است که آن حضرت، این کارها را با چه عنوانی انجام می‌داد؟ آیا بدین علت به این امور اشتغال داشت که مردم او را به رهبری خویش برگزیده بودند؛ یعنی به عنوان حاکم منتخب مردم؟ یا از آن رو که او فرستاده خداوند و رسول او در میان مردم بود؛ یعنی به عنوان رسول نبی به این امور اقدام می‌کرد؟

پرسش دیگر این‌که بر فرض نشأت گرفتن این امور از جنبه رسالت آن حضرت، آیا ایشان به تشکیل حکومت نیز اقدام کرد یا این کارها را صرفاً برای پیش‌برد اهداف دین انجام می‌داد. به بیان دیگر، آیا آن حضرت اداره امور زندگی مادی مردم را نیز در دستور کار خویش داشت یا صرفاً بر اسلام آوردن آنان تأکید می‌کرد و اگر گروهی اسلام می‌آوردند، با دیگر مسائل آنان کاری نداشت؟

این پرسش‌ها بدین علت مطرح شده است که بعضی با اعتراف به حاکمیت و سلطه پیامبر اکرم(ص) بر مؤمنان از جنبه رسالتش، به نفی تشکیل دولت و حکومت به دست ایشان پرداخته‌اند و از سوی دیگر، حاکمیت آن حضرت دارای دو ویژگی مهم است: اول این‌که دارای پشتوانه الهی بود و احکام مورد نیاز مردم یا به‌طور مستقیم از طریق وحی نازل می‌گردید و آن حضرت تنها واسطه نقل آن‌ها برای مردم بود یا اگر خود تصمیمی می‌گرفت و به مردم ابلاغ و آن را اجرا می‌کرد، آن نیز به گونه‌ای رنگ الهی به خود می‌گرفت؛ زیرا خداوند از مردم خواسته بود که از آن حضرت اطاعت کنند. دوم این‌که با میل و رغبت مردم به وجود آمده بود، نه با زور و سلطه فرد یا گروهی بر دیگران، که ویژگی بیش‌تر حکومت‌های پادشاهی و استبدادی است. مردم مدینه که در این زمینه نقش کلیدی داشتند، با میل و رغبت، پذیرای رسول خدا(ص) شدند و با شور و اشتیاق از ایشان استقبال کردند.

این دو ویژگی در حکومت رسول خدا(ص) موجب پیدایش دو نظریه شده است. بیش‌تر متفکران و عالمان دینی، در میان شیعه و اهل سنت، حکومت نبوی را برخاسته از جنبه رسالت ایشان و جزئی از وظیفه رسالتش می‌دانند؛ یعنی حکومتی الهی، که خداوند و سپس رسولش در رأس آن قرار دارند و دستورهای پیامبر اکرم(ص) همگی دستورهای خداوند تلقی می‌شود؛ چون خداوند از مردم خواسته است که از او اطاعت کنند. عده‌ای نیز حکومت نبوی را حکومتی به انتخاب مردم می‌دانند و میل و رغبت و بیعت مردم با آن حضرت را دلیل و شاهد این مدعا می‌دانند.

این دو نظریه، دارای آثار متفاوتی است. یکی از آن‌ها این است که بنا بر نظریه اول، با وجود حضور پیامبر اکرم(ص) هیچ کس جز آن حضرت صلاحیت حکومت بر مردم را ندارد؛ اما در نظریه دوم، حاکم منتخب مردم، صلاحیت حکومت را دارد، هر چند شخصی غیر از پیامبر اکرم(ص) باشد و پیامبر تنها وظیفه ابلاغ احکام الهی را به مردم دارد و آنان خود باید با انتخاب حاکم جامعه، زمینه اجرای احکام اجتماعی اسلام را فراهم سازند، هر چند ممکن است خود پیامبر اکرم(ص) را نیز برای این منظور برگزینند که بنابراین نظریه، مردم در صدر اسلام چنین کردند.

البته در این میان، نظریه‌ای در باره انتخابی بودن حکومت نبوی وجود دارد که به‌طور کلی، دین را امری جدا از امور اجتماعی و زندگی مردم تصویر می‌کند و آن را منحصرأ ویژه اموری فوق بشری، مانند خداوند

و آخرت می‌داند که بنابراین، هر نوع حکومت دینی، حتی حکومتی که به انتخاب مردم، بر اساس قوانین اسلامی به وجود آمده باشد، را نفی می‌کند؛ اما بحث در باره این نظریه، مجال دیگری می‌طلبد؛ زیرا در این بحث‌ها فرض ما بر این است که حکومتی اسلامی وجود دارد و ما می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در زمان حضور پیامبر اکرم(ص) حاکم جامعه اسلامی را مردم انتخاب کردند یا آن حضرت به واسطه رسالت الهی، حکومت بر جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشت؟ البته باید توجه داشت که به هر حال، مردم در برپایی حکومت اسلامی نقش عمده‌ای بر عهده دارند و اگر آنان نخواهند، حتی اگر برپایی حکومت، شأنی از شئون رسالت نیز باشد، باز پیامبر اکرم(ص) بدون پشتوانه مردمی نمی‌تواند به مقصود خویش برسد.

در فصل‌های قبل، پاسخ این پرسش را در آیات قرآن کریم و روایات بررسی کردیم. اینک می‌خواهیم با سیری در زندگی آن حضرت، از بعثت تا رحلت، شواهد و مطالبی را بیان کنیم که می‌تواند پاسخ مناسبی به این پرسش بدهد. بدین منظور، مباحث این فصل را در چهار محور ارائه می‌کنیم:

1. اهداف دنیوی و حکومتی بعثت پیامبر اکرم(ص) .
2. وقایع مؤثر در تشکیل حکومت پیامبر اکرم(ص) در مدینه.
3. نقش رسالت و وحی در حکومت پیامبر اکرم(ص) .
4. حکومت پیامبر اکرم(ص) و نصب حاکمان پس از خود.

#### 1. اهداف دنیوی و حکومتی بعثت پیامبر اکرم(ص)

در فصل‌های پیشین گذشت که هر چند هدف اصلی و نهایی پیامبران(ع) دعوت به توحید، نفی شرک و سعادت اخروی انسان‌ها است، ولی این مسأله، نه تنها با وجود هدف‌های فرعی و مقدمی دنیوی دیگر منافاتی ندارد، بلکه رسیدن به سعادت اخروی نیازمند روش خاص در زندگی دنیوی است که عمل بر طبق آن می‌تواند سعادت اخروی را تضمین کند.

آن چه گفته شد، در امور فردی وضوح بیشتری دارد و واجبات و محرمات و دیگر احکام در ادیان مختلف، برای مینا به وجود آمده است؛ اما آیا پیامبران و به‌ویژه پیامبر اکرم(ص) اهداف دنیوی اجتماعی نداشته‌اند؟ یعنی آیا آنان در پی فراهم کردن اجتماعی سالم نبوده‌اند که بتواند زمینه رشد انسان‌ها را فراهم کند و آنها را یاری دهد تا با شناخت استعدادهای خود و بهره‌برداری بهتر از نعمت‌های الهی، زمینه سعادت اخروی خویش را فراهم کنند؟ قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیا(ع) را برپایی قسط و عدالت معرفی می‌کند که والاترین مقصود انسان‌ها در زندگی دنیوی و بهترین وسیله برای نیل به سعادت اخروی است:

(لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فیه باس شدید و منافع للناس و لیعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز). [1]

همانا رسولان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و میزان نازل کردیم تا مردم عدالت را بر پا دارند و آهن را که در آن، سختی بسیار و منافی برای مردم است، نازل کردیم تا خداوند بداند چه کسانی او و رسولانش را بی آن که او را ببینند، یاری می‌دهند. همانا خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

در این آیه شریفه، بر دو نکته مهم تأکید شده است: اول نقش رهبری انبیا و رسولان الهی در اجتماع انسانی، برای برپایی عدالت؛ زیرا خداوند آنان را با کتاب و میزان که علامه طباطبایی می‌فرماید: مقصود از میزان، دین است [2] فرستاده و از مردم یاری و نصرت آنان را خواسته است؛ یعنی قانون، میزان، احکام و رهبری از سوی خداوند فرستاده شده و از مردم طلب یاری شده است.

دوم نقش مردم که آنان باید عدالت خواه شوند و به یاری پیامبران برخیزند و عدالت اجتماعی را به وجود آورند؛ یعنی وظیفه دارند رهبری پیامبران را بپذیرند و از آنان در برقراری جامعه‌ای الگو و نمونه، که عدالت در همه ارکان آن ساری است، حمایت کنند.

حضرت علی(ع) نیز در خطبه اول نهج البلاغه، ضمن برشمردن اهداف بعثت انبیا(ع) به مواردی اشاره می‌کند که از اهداف دنیوی بعثت به حساب می‌آید؛ یعنی اهدافی که زمینه اهداف اخروی را فراهم می‌کند. آن حضرت یکی از اهداف رسولان الهی را شکوفا کردن استعدادهای عقلانی مردم و هدف دیگر آنان را نشان دادن وسایل معیشتی می‌داند که مردم را نگاه می‌دارد:

فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاء... و یتبروا لهم دفائن العقول و یروهم آیات مقدره، من سقف فوقهم مرفوع و مهاد تحتهم موضوع و معایش تحییهم.

پس رسولانش را در میان آنان مبعوث کرد و پی در پی انبیایش را به سوی آنان فرستاد تا... گنج‌های پنهانی عقل‌ها را آشکار کنند و نشانه‌های قدرت او را به آنان نشان دهند: آن سقف بلند پایه آسمان، که بر فراز آنها قرار گرفته، و این گهواره زمین که در زیر پای آنان گسترده شده و وسایل زندگانی، که آنان را زنده نگاه می‌دارد.

این دو هدف که یکی مربوط به نیروهای درونی انسان‌ها و دیگری مربوط به امور جهان و نیروهایی است که انسان می‌تواند به تسخیر خویش درآورد تا زندگی بهتری داشته باشد و نیز علوم آسمان و زمین، که همه این‌ها انسان را به قدرت عظیم خداوند راهنمایی می‌کند، نیازمند برنامه‌ریزی و تشکیل جامعه‌ای به رهبری و حاکمیت انبیا(ع) است.

اینک با توجه به این مقدمه، به بررسی اهداف دنیوی و حکومتی پیامبر اکرم(ص) در ضمن دو عنوان می‌پردازیم:

الف. اصلاح دنیا و آخرت، هدف بعثت پیامبر اکرم(ص)  
ب. تشکیل حکومت، از اهداف پیامبر اکرم(ص)

الف. اصلاح دنیا و آخرت هدف بعثت پیامبر اکرم(ص)

پیامبر اکرم پس از چند سال تبلیغ مخفیانه، مأموریت یافت تا رسالت خویش را آشکار کند و در مرحله اول، مأمور به دعوت اقوام نزدیک خویش شد. او خاندان عبدالمطلب را در جلسه‌ای گرد هم آورد و بدین گونه، آنان را به اسلام دعوت کرد:

انی قد جئتکم بخیر الدنیا و الآخرة و قد امرنی اللّٰه تعالیٰ ان ادعوکم الیه فایکم یؤازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم.[3]

همانا من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خداوند متعال به من فرمان داده تا شما را به آن دعوت کنم، پس کدام یک از شما مرا بر این کار یاری می‌دهد تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟

آن حضرت با این سخن خویش هدف از بعثت خود را اصلاح دنیا و آخرت، اعلام می‌کند. او خیرات دنیا و آخرت را برای مردم آورده است؛ یعنی آمده است تا هم دنیای آنان را اصلاح کند و هم آخرت آنان را.

زمانی دیگر، آن حضرت بر قله کوه صفا، مردم را از عذاب آخرت بر حذر می‌دارد و سپس همه نصیب دنیوی و اخروی را، که او برای آنان آورده، مشروط به پذیرش و گفتن کلمه «لا اله الا الله» می‌کند:

انی لا املك لكم من الدنيا منفعة و لا من الآخرة نصيبا الا ان تقولوا لا اله الا الله.[4]

همانا من هیچ منفعت دنیا و نه بهره‌ای از آخرت را به شما نمی‌توانم ارائه نمی‌کنم مگر این‌که لاله الا الله بگویید.

این سخن آن حضرت نیز مانند کلام قبلی ایشان روشن می‌سازد که حضرت، هم برای اصلاح دنیا آمده است و هم برای اصلاح آخرت. حضرت علی(ع) نیز در تشریح اهداف بعثت رسول خدا(ص) هم برکات اخروی بعثت آن حضرت و هم برکات دنیوی آن را بر می‌شمارد. ایشان در خطبه‌ای وضعیت دین و دنیا را در عرپستان در زمان بعثت رسول خدا(ص) بدترین نوع معرفی می‌کند:

ان الله بعث محمداً نذیراً للعالمین و امیناً علی التنزیل و انتم معشر العرب علی شرّ دین و فی شردار. منیخون بین حجارة خشن، و حیات صم و تشریون الکدر و تأکلون الجشب و تسفکون دماءکم و تقطعون ارحامکم، الاصلام فیکم منصوبه و الاثام بکم معصوبه.[5]

همانا خداوند محمد را برانگیخت که جهانیان را بیم دهد و امین او بر نزول وحی باشد، در حالی که شما ملت عرب، بدترین دین و جامعه را داشتید، در میان سنگ‌های خشن و مارهای ناشنوا زندگی می‌کردید، آب آلوده می‌نوشیدید و غذای ناگوار می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و رابطه خویشاوندی را قطع می‌کردید. بت‌ها در میان شما بر پا بود و گناهان سراسر وجود شما را فرا گرفته بود.

امام در خطبه‌های دیگر، خیرات و برکات مادی و معنوی را، که همگی ناشی از بعثت پیامبر اکرم(ص) و رهبری ایشان است، بیان می‌کند:

اما بعد فان الله سبحانه بعث محمداً و لیس احد من العرب یقرأ کتابا و لا یدعی نبوة و لا وحیا فقاتل بمن اطاعه من عساه. یسوقهم الی منجاتهم و یبادر بهم السیاعة ان تنزل بهم یحسیر الحسیر و یقف الکسیر فیقیم علیه حتی یلحقه غایته الا هالکا لا خیر فیه حتی اراهم منجاتهم و بواهم محلنهم فاستدارت راحهم و استقامت قناتهم.[6]

اما بعد، خداوند متعال زمانی محمد را برانگیخت که هیچ کس از عرب، کتاب آسمانی نداشت و ادعای نبوت و وحی نمی‌کرد. پس با یارانش با مخالفان مبارزه کرد. او آنان را به سر منزل نجات سوق داد و پیش از آن که مرگشان فرا رسد، به آمادگی آنان مبادرت می‌ورزید و اگر کسی ناتوان یا شکسته حال می‌شد، او را تحت حمایت خویش در می‌آورد تا به سر منزل مقصود برساند، مگر کسی که هیچ خیری در او نبود تا این‌که وسیله نجات مردم را به آنان شناساند و در محل مناسب، مکان داد. پس آسیای زندگی آنان به گردش درآمد و نیزه آنان صاف شد(وضعیت دینی و اقتصادی و نظامی آنان رو به راه شد). بدین ترتیب، حضرت علی(ع) نه تنها پیامبر اکرم(ص) را نجات دهنده معنوی مردم از آتش دوزخ به سوی بهشت می‌داند، بلکه او را مصلح امور دنیوی آنان نیز معرفی می‌کند. مردمی که پیش از بعثت او در وضعیت اقتصادی و نظامی بسیار بدی به سر می‌بردند و شرف هلاکت بودند و ذلیلانه در برابر حکومت‌های وقت خاضع بودند، به ملتی سرافراز و قوی با وضعیت اقتصادی مناسب تبدیل شدند و این‌ها همه از برکات بعثت رسول خدا(ص) و رهبری او بود. همین مطلب را آن حضرت در خطبه دیگری بدین گونه بیان می‌کند:

فانظروا الی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولا ففقد بملته طاعتهم و جمع علی دعوتهم الفهم. کیف نشرت النعمة علیهم جناح کرامتها و اسالت لهم جداول نعیمها و التفت الیهم بهم فی عوائد برکتها فاصبحوا فی نعمتها عرقین و فی خضرة عیشها فکھین.[7]

پس به محل‌های نعمت‌های خداوند بر مردم، در هنگامی که پیامبر اکرم را به سوی آنان فرستاد، بنگرید که اطاعت آنان را با آیین خود پیوند داد و با دعوتش آنان را متحد کرد و چگونه نعمت، پر و بال کرامت

خود را بر آنان گسترده و نهرهای مواهب خود را به سوی آنان جاری ساخت و این آیین با خیرات پر برکتش آنان را در بر گرفت. پس در میان نعمت‌ها غرق شدند و در دل يك زندگانی خرم، شادمان گرویدند

پیامبر اعظم (ص) از نگاه امام صادق (ع)

احمد محیطی اردکانی

.....

اندیشه‌ها

در طول تاریخ بشریت، کم تر انسانی وجود دارد که مانند پیامبر اسلام تمام خصوصیات زندگی اش به طور واضح و روشن بیان و ثبت شده باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم - کتابی که خود حافظ اوست و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی است - با زیباترین عبارات و کامل‌ترین بیانات، آن حضرت را معرفی نموده و با عالی‌ترین صفات ستوده است. خداوند متعال می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم!» ای پیامبر! تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی.

نیز می‌فرماید: «محمد رسول الله و الذین معه اشدوا علی الکفار رحماء بینهم.» محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و در میان خود مهربانند.

محققان، تاریخ نویسان و دانشمندان در ابعاد گوناگون زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله سخن گفته‌اند.

اما ائمه علیهم السلام با نگاهی ژرف و دقیق سیمای آن شخصیت بی نظیر و یکتای عالم خلقت را به تماشا نشسته، به معرفی زندگی، مبارزات و آموزه‌های آن حضرت پرداختند.

در این نوشتار بر آنیم تا گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از نگاه امام صادق علیه السلام به تماشا بنشینیم.

تولد نور

امام صادق علیه السلام به نقل از سلمان فارسی فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید

نیز امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای محمد! قبل از این که آسمان‌ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم. نور تو و علی را آفریدم...»

ثقه الاسلام کلینی (ره) می‌نویسد: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه بنت اسد نزد آمنه (مادر گرامی پیامبر) بود. یکی از آن دو به دیگری گفت: آیا می‌بینی آنچه را من می‌بینم؟

دیگری گفت: چه می‌بینی؟ او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است! در همین حال، ابوطالب علیه السلام وارد شد و به آنها گفت:

چرا در شگفتید؟ فاطمه بنت اسد ماجرا را گفت. ابوطالب به او گفت: می‌خواهی بشارتی به تو بدهم؟ او گفت: آری. ابو طالب گفت: از تو فرزندی به وجود خواهد آمد که وصی این نوزاد، خواهد بود

نام‌های پیامبر

کلبی، از نسب شناسان بزرگ عرب می‌گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: در قرآن چند نام از نام‌های پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ذکر شده است؟ گفتم: دو یا سه نام.

امام صادق علیه السلام فرمود: ده نام از نام‌های پیامبر اکرم در قرآن آمده است: محمد، احمد، عبدالله، طه، یس، نون، مزمل، مدر، رسول و ذکر.

سپس آن حضرت برای هر اسمی آیه‌ای تلاوت فرمود. نیز فرمود: «ذکر» یکی از نام‌های محمد صلی الله علیه و آله است و ما (اهل بیت) «اهل ذکر» هستیم. کلبی! هر چه می‌خواهی از ما سوال کن.

کلبی می‌گوید: (از ابته صادق آل محمد علیه السلام) به خدا سوگند! تمام قرآن را فراموش کردم و یک حرف به یاد نیامد تا سوال کنم.

برخی چهارصد نام و لقب پیامبر صلی الله علیه و آله که در قرآن آمده است، را بر شمرده‌اند.

عظمت نام محمد صلی الله علیه و آله

جلوه نام محمد صلی الله علیه و آله برای امام صادق علیه السلام به گونه‌ای بود که هر گاه نام مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله به میان می‌آمد، عظمت و کمال رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان در وی تاثیر می‌گذاشت، که رنگ چهره‌اش گاهی سبز و گاهی زرد می‌شد، به طوری که آن حضرت در آن

حال، برای دوستان نیز نا آشنا می‌نمود.

امام صادق علیه السلام گاهی بعد از شنیدن نام پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: جانم به فدایش. اباهارون می‌گوید: روزی به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود: اباهارون!

چند روزی است که تو را ندیده‌ام. عرض کردم: خداوند متعال به من پسری عطا فرمود. آن حضرت فرمود: خدا او را برای تو مبارک گرداند چه نامی برای او انتخاب کرده‌ای؟ گفتم: او را محمد نامیده‌ام.

امام صادق علیه السلام تا نام محمد را شنید (به احترام آن حضرت) صورت مبارکش را به طرف زمین خم کرد، نزدیک بود گونه‌های مبارکش به زمین بخورد.

آن حضرت زیر لب گفت: محمد، محمد، محمد. سپس فرمود: جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله باد! او را دشنام مده! کتک نزن! بدی به او نرسان! بدان! در

روی زمین خانه‌ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر این که آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود.

سیمای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: امام حسن علیه‌السلام از دائی‌اش، «هند بن ابی‌هاله» که در توصیف چهره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مهارت داشت، در خواست نمود تا سیمای دل‌آرای خاتم پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله را برای وی توصیف نماید. هند بن ابی‌هاله در پاسخ گفت: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در دیده‌ها با عظمت می‌نمود، در سینه‌ها مهابتش وجود داشت. قامتش رسا، مویش نه پیچیده و نه افتاده، رنگش سفید و روشن، پیشانی‌ش گشاده، ابروانش پرمو و کمانی و از هم گشاده، در وسط بینی برآمدگی داشت، ریشش انبوه، سیاهی چشمش شدید، گونه‌هایش نرم و کم‌گوشت. دندان‌هایش باریک و اندامش معتدل بود. آن حضرت هنگام راه رفتن با وقار حرکت می‌کرد. وقتی به چیزی توجه می‌کرد به طور عمیق به آن می‌نگریست، به مردم خیره نمی‌شد، به هر کس می‌رسید سلام می‌کرد، همواره هادی و راهنمای مردم بود. برای از دست دادن امور دنیایی خشمگین نمی‌شد. برای خدا چنان غضب می‌نمود که کسی او را نمی‌شناخت. اکثر خندیدن آن حضرت تبسم بود، برترین مردم نزد وی کسی بود که، بیشتر مواسات و احسان و یاری مردم نماید...»

سعدی با الهام از روایات، در اشعار زیبایی آن حضرت را چنین توصیف نمود:

ماه فرو ماند از جمال محمد

سرو نروید به اعتدال محمد

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست

در نظر قدر با کمال محمد

وعده دیدار هر کسی به قیامت

لیله اسری شب وصال محمد

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی

آمده مجموع در ظلال محمد

عرصه گیتی مجال همت او نیست

روز قیامت نگر مجال محمد

و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس

بو که قبولش کند بلال محمد

شمس و قمر در زمین حشر نتابد

نور نتابد مگر جمال محمد

همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد

تا بدهد بوسه بر نعال محمد

شاید اگر آفتاب و ماه نتابد

پیش دو ابروی چون هلال محمد

چشم مرا تا بخواب دید جمالش

خواب نمی‌گیرد از خیال محمد

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشقی محمد بس است و آل محمد

اوصاف پیامبر در تورات و انجیل

خداوند متعال در وصف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم

و ان فریقا منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون»

کسانی که کتاب آسمانی به آنان دادیم، او را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان،

حق را آگاهانه کتمان می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «یعرفونه کما یعرفون ابناءهم» زیرا خداوند متعال در تورات و انجیل و زبور،

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مبعوث، مهاجرت، و اصحابش را چنین توصیف نمود: «محمد رسول‌الله و

الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم...»

محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و

در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، در حالی که همواره فضل خدا و

رضای او را طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این، توصیف آنان در تورات و

توصیف آنان در انجیل است... .

امام صادق علیه‌السلام فرمود: این، صفت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحابش در تورات و انجیل

است. زمانی که خداوند پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله را به رسالت مبعوث نمود اهل کتاب (یهود و

نصاری) او را شناختند اما نسبت به او کفر ورزیدند، همان گونه که خداوند متعال فرمود: «فلما جاءهم ما

عرجوا کفروا» هنگامی که این پیامبر نزد آنها آمد که (از قبل) او را شناخته بودند، به او کافر شدند.

خداوند متعال در قرآن کریم، در وصف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «و ما ارسلناک الا رحمة

للعالمین» ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. قرآن نیز می‌فرماید: اشداء علی الکفار رحماء

بینهم...»،

در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. این دو چگونه با هم جمع می‌شوند؟

توجه به این آیه برای طرفداری اندیشه تسامح و تساهل ضروری است. آیا ممکن است کامل‌ترین انسان، که با کامل‌ترین کتاب آسمانی برای هدایت تمام جهانیان مبعوث گردیده است در مقابل دشمنان دین هیچ عکس‌العملی جز مهربانی نداشته باشد؟! برای اداره جامعه دینی و بقای آن باید در مقابل دشمنان دین ایستاد شدت عمل نسبت به کافران و مبارزه با آنها برای از بین بردن موانع هدایت عین رحمت است. برترین مخلوق

حسین بن عبدالله می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سرور فرزندان آدم بود؟ آن حضرت فرمود: قسم به خدا، او سرور همه مخلوقات خداوند بود. خدا هیچ مخلوقی را بهتر از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیافرید.

امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری فرمود: چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به معراج بردند جبرئیل تا مکانی با وی همراه بود و از آن به بعد او را همراهی نمی‌کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می‌گذاری؟! جبرئیل گفت: تو برو. سوگند به خدا در جایی قدم گذاشته‌ای که هیچ بشری قدم نگذاشته و بیش از تو بشری به آن جا راه نیافته است

معمر بن راشد می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود: یک نفر یهودی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و به دقت او را نگریست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای یهودی! چه حاجتی داری؟ یهودی گفت: آیا تو برتری یا موسی بن عمران؛ آن پیامبری که خدا با او تکلم کرد و تورات و انجیل را بر او نازل نمود، و به وسیله عصایش دریا را برای او شکافت و به وسیله ابر بر او سایه افکند؟

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خوش آیند نیست که بنده خود ستایی کند ولیکن (در جوابت) می‌گویم که حضرت آدم علیه‌السلام وقتی خواست از خطای خود توبه کند، گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی»

خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می‌خواهم که مرا عفو نمایی. خداوند نیز توبه‌اش را پذیرفت. حضرت نوح علیه‌السلام وقتی از غرق شدن در دریا ترسید گفت «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی من الغرق» خدایا به حق محمد و آل محمد از تو در خواست می‌کنم. مرا از غرق شدن نجات بدهی. خداوند نیز او را نجات داد.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام در داخل آتش گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی منها» خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می‌خواهم که مرا از آتش نجات دهی. خداوند نیز آتش را برای او سرد و گوارا نمود.

حضرت موسی علیه‌السلام وقتی عصایش را به زمین انداخت و در خود احساس ترس نمود گفت: «اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد از تو در خواست می‌نمایم که مرا ایمن گردانی. خداوند متعال به او فرمود: «لاتخف انک انت الاعلی» نترس. مسلماً تو برتری.

ای یهودی، اگر موسی علیه‌السلام امروز حضور داشت و مرا درک می‌کرد و به من و نبوت من ایمان نمی‌آورد. ایمان و نبوتش هیچ نفعی به حال او نداشت.

ای یهودی! از ذریه من شخصی ظهور خواهد کرد به نام مهدی علیه‌السلام که زمان خروجش عیسی بن مریم برای یاری او فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌خواند.

سیاستمداری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

در عرف جهانی امروز «سیاست» را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می‌کنند، اما «سیاست» در لغت، به معنای «اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است.» خداوند متعال پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله جانشینان بر حق او، ائمه معصومین را از بهترین سیاستمداران شمرده است در زیارت جامعه، در وصف ائمه علیهم‌السلام که پرورش یافتگان مکتب نبوتند، آمده است: «وساسه العباد.»

فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که به بعضی از اصحاب قیس ماصر فرمود: خداوند - عز و جل - پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت فرمود. چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود:

«انک لعلی خلق عظیم» تو بر اخلاق عظیمی استوار. سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا سیاست و اداره بندگانش را به عهده بگیرد، سپس فرمود: «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»، آنچه را رسول خدا برای شما آورد، بگیرید، (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرد، خود داری ننمایید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله استوار، موفق و موید به روح القدس بود و نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت و به آداب خدا تربیت شده بود، ...

زهد و وارستگی

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز نسبت به دنیا و لذایذ زودگذر آن میلی نشان نداد و به آن، توجهی نکرد. آن حضرت برای هدایت مردم و رساندن آنها به سعادت دنیا و آخرت وارد عرصه سیاست شد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حالی که محزون بود، از منزل خارج شد فرشته‌ای بر او نازل شد، در حالی که کلید گنج‌های زمین را به همراه داشت. فرشته گفت: ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، این کلیدهای گنج‌های زمین است. پروردگارت می‌فرماید: این کلیدها را بگیر و در گنج‌های زمین را باز کن و آنچه می‌خواهی از آن استفاده نما. بدون این که نزد من ذره‌ای از آنها کم شود.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه (واقعی) ندارد. کسانی دور آن جمع می‌شوند که عقل ندارند.

فرشته گفت: به آن خدایی که تو را به حق مبعوث نمود! وقتی در آسمان چهارم کلیدها را تحویل می‌گرفتم، همین سخن را از فرشته دیگری شنیدم.

ابن سنان می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: مردی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد، در حالی که آن حضرت روی حصیری نشسته بود که زبری آن بر بدن آن حضرت اثر گذاشته بود، و بر بالشی از لیف خرما تکیه نموده بود، که بر گونه‌های گلگونه‌اش نفوذ کرده بود. آن مرد در حالی که جاهای اثر کرده را مسح می‌نمود، گفت: کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) هرگز چنین راضی نمی‌شوند و بر حریر و دیبا می‌خوابند و تو (که سرور مخلوقات خدایی) بر این حصیر!

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: به خدا من از آنها برتر و گرامی‌تر هستم. من کجا و دنیا کجا! مثال زورگذر بودن دنیا، مثال شخصی است که بر درختی سایه دار عبور می‌کند، لحظه‌هایی از سایه درخت استفاده می‌کند و وقتی سایه تمام شد، از آن جا کوچ می‌کند و درخت را رها می‌کند. هیچ زمینه‌ای از زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست، مگر این که امام صادق علیه‌السلام در آن زمینه سخنانی با ارزش دارد.

به عنوان حسن ختام، به ذکر خطبه‌ای از آن حضرت در توصیف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اکتفا می‌کنیم.

خطبه امام صادق علیه‌السلام در وصف حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله

برد باری، وقار و مهربانی خدا سبب شدتا گناهان بزرگ و کارهای زشت مردم مانع نشود که دوست‌ترین و شریف‌ترین پیغمبران، یعنی محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله را برای مردم برگزیند. محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله در حریم عزت تولد یافت در خاندان شرافت اقامت گزید، حسب و نسبش آلوده نگشت، صفاتش را دانشمندان بیان کردند و حکمیان در وصفش اندیشه نمودند، او پاکدامنی بی نظیر، هاشمی نسبی بی مانند و بی مانندی از اهل مکه بود.

حیا صفت او بود و سخاوت طبیعتش، بر متانت‌ها و اخلاق نبوت سرشته شده بود. اوصاف خویشتن داری‌های رسالت بر او مهر شده بود تا آن گاه که مقدرات و قضا و قدر الهی عمر او را به پایان رسانید و حکم حتمی پروردگار او را به سرانجامش منتهی ساخت. هر امتی، امت پس از خود را به آمدنش مزده داد. نسل به نسل از حضرت آدم تا پدر بزرگوارش، عبدالله، هر پدری او را به پدر دیگر تحویل داد اصل و نسبش به ناپاکی آمیخته نشد و ولادت او با ازدواج نا مشروع پلید نگشت. ولادتش در بهترین طایفه، گرامی‌ترین نواده (بنی هاشم)، شریف‌ترین قبیله (فاطمه مخزومیه) و محفوظترین شکم بار دار (آمنه دختر وهب) و امانت دارترین دامن بود.

خدا او را برگزید، پسندید و انتخاب کرد سپس کلیدهای دانش و سرچشمه‌های حکمت را به او داد. او را مبعوث نمود تا رحمت بریندگان و بهار جهانیان باشد.

خداوند کتابی را بر او نازل کرد، که بیان و توضیح هر چیزی در آن است و آن را به لغت عربی، بدون هیچ انحرافی قرار داد، به امید این که مردم پرهیزکار شوند. آن را برای مردم بیان کرد و معارف آن را روشن ساخت و با آن، دینش را آشکار ساخت و واجباتی را لازم شمرد و حدودی را برای مردم وضع نمود و بیان کرد. آنها را برای مردم آشکار نمود و آنها را آگاه ساخت. آن حضرت در آن امور، راهنمایی به سوی نجات و نشانه‌های هدایت به سوی خدا می‌باشد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسالتش را تبلیغ کرد، ماموریتش را آشکار ساخت، بارهای سنگین نبوت را که به عهده گرفته بود، به منزل رسانید و به خاطر پرورگارش صبر کرد و در راهش جهاد نمود. با برنامه‌ها و انگیزه‌هایی که برای مردم پی ریزی نمود و مناره‌هایی که نشانه‌های آن را بر افراشت، برای امتش خیر خواهی کرد، و آنها را به سوی نجات و رستگاری فرا خواند و به یاد خدا تشویق و به راه هدایت دلالت کرد، تا مردم پس از او گمراه نشوند. آن حضرت نسبت به مردم دلسوز و مهربان بود.